

## پیش‌خواب

**به بهانه انتشار اثر تاریخی – روایی خاطرات حجت‌الاسلام احمد سالک**

### زندگی در مسیر مبارزه

■ **شاهد توحیدی**



مرور خاطرات گذشته همواره برای انسان‌ها شیرین و لذت‌بخش است و در این میان خاطراتی که با گذشته و افتخارات ملتی گره خورده باشد، جایگاه ارزشمندتری دارد. از همین رو می‌بینیم از

میان آنانی که به نگارش یا بازگویی خاطرات خاصیت همّت می‌گماردند، اقبال از خاطرات کسانی که در عرصه‌های ملی موفق‌تر و کوشاستر بوده‌اند بیشتر است. به عنوان مثال سه رویداد مهم در تاریخ معاصر ایران ثبت شده که از افتخارات مردم این سرزمین و بوم و جزو روزهای سرنوشت‌ساز آنان است. شدن رویداد «انقلاب مشروطه»، «نهیض ملی شدن نفت» و «انقلاب اسلامی ۵۷» در سه برهه مختلف، اما در توالی یکدیگر، رخ داده‌اند و در این میان، خاطرات کسانی که در این سه رویداد نقشی ایفا کرده یا دستی بر آتش داشته‌اند، جذاب و قابل ملاحظه است.

انقلاب اسلامی بنا به عللی در میان این سه رویداد جایگاه خاصی دارد؛ اولاً این حرکت، مذهبی و رهبری آن با مرجعی دینی بود که هیچ‌گاه از اصول مذهبی عدول نکرد و نقش دیگر گروه‌ها در برابر رهبری او ضعیف و کم‌رنگ بود؛ دوم آنکه انقلاب اسلامی، توده‌ای و فراگیر بود و این ویژگی از ارتباط تنگاتنگ علما یا توده‌های جامعه نشئت می‌گرفت و سوم آنکه در آخرین انقلاب قرن بیستم، نیروهای مذهبی و به ویژه روحانیون، نقش عمده‌ای ایفا کردند، طوری که گروه‌های داعیه‌دار سابقه در مبارزه همچون حزب توده، جبهه ملی و… جز نظاره‌گری و انتظار، کار دیگری نکردند. روحانیون

مبارزاتی در دوران نوجوانی، با ورود به حوزه علمیه قم، به جرح طلب انقلابی پیوست. او اهل کاشان و فرزند یکی از علمای این شهر است که دست‌روزگار آنان را به شهر اصفهان کسانند. «حجت‌الاسلام سالک» پس از طی تحصیلات جدید، برای ادامه راه پدر و تحصیل علوم دینی، اعاز قم شد. در این شهر فعالیت‌های انقلابی ضد رژیم را پی گرفت و بعدها طی طی سطوح عالی علوم دینی به عنوان عالم دینی، در سفرهای تبلیغی خود این‌را راه را ادامه داد. وی به هر شهر و روستایی که می‌رفت، سعی می‌کرد با شناسایی نیروهای مذهبی و انقلابی، هسته‌های مبارزه را پی‌ریزی کند و آنها را در پوشش جلسات مذهبی آموزش دهد. این نحوه تشکیلاتی شیعی در طول مدت زندگی او بود و در انقلاب مشروطیت نیز توسط انقلابیون هوادار علما به آن عمل می‌شد. از این روستک که نیروهای امنیتی تادمت‌ها از فعالیت‌های «حجت‌الاسلام سالک» بی‌اطلاع بودند و تنها گاهی با احضار وی به ساواک منطقه یا جلویی‌زی از سخنرانی‌هایش با او برخورد می‌شد اما استراتژی مبارزه روحانیون ماندن او، مانع اشراق کامل دستگاه امنیتی رژیم بر این گونه فعالیت‌ها می‌شد.

سرانجام «حجت‌الاسلام سالک» در سفر تبلیغی – مبارزاتی خود به شیراز در سال ۱۳۴۵، به همراه یکی از انقلابیون آن زمان، در شهر «پادشاه» دستگیر و زندانی شد. ماجرای این دستگیری و وقایع متعاقب آن با شرحی دقیق و جزئی توسط راوی بیان شده و اسناد ساواک برای تکمیل روایت در قسمت اسناد آمده است. او پس از محاکمه در داد‌گاه نظامی و سپری شدن مدت زندان در بازداشتگاه «عادل‌آباد»، به زندان کمیته مشترک تهران و پس از آن به زندان اوین منتقل شد. خاطرات حجت‌الاسلام سالک در این مقطع اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه او زمانی‌ها به زندان اوین گذاشت که انحراف در سازمان مجاهدین رخ داده بود و به تبع آن، در داخل زندان، بر برخوردها و تضادهای میان زندانیان مسلمان بسا زندانیان سازمان به وجود می‌آمد. او پس از آزادی، بار دیگر به عرصه مبارزه بازگشت و تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ از تلاش بازناهیستاد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در زادگاهش به خدمت مشغول شد و در رأس سپاه اصفهان قرار گرفت که در مدت ریاستش، مسائل مهم و خطیری در شهر «اصفهان» و پیرامون دو نهاد «کمیته» و «سپاه» اتفاق افتاد. او تا هم‌اینک از فعالان سیاسی و مدافعان جدی انقلاب و نظام اسلامی است.



رضاخان در دوران تصدی وزارت جنگ

**هویت زادگاه و خانواده رضاخان به شهادت اسناد، تقریباً روشن است. ملک‌الشعرا بهار در جلد اول «تاریخ مختصر احزاب سیاسی» چنین نگاشته است: رضاخان میر پنجته، پسر «داداش بیگ» افسر سواد کوهی از ایل «پالانی» بود. نام این طایفه در تاریخ «خانی» طبع پترو گراد برده شده است. در بار فروش (بابل) از مر حوم میرزا محمود رئیس که مردی معمر و فاضل و درویش بود شنیدم که می‌گفت: «شاه یعنی رضاشاه) از ایل پالانی است» و بین پالانی و «پهلوی» قرابت لفظی عجیبی موجود است**

## زندگی

وقتی رضاخان به سن ۱۵ سالگی رسید، دایی‌اش ابوالقاسم‌خان تصمیم گرفت او را وارد گروه قزاق کند. در آن زمان نیروهای نظامی ایران از دو گروه ژاندارمری و بریگارد قزاق تشکیل می‌شد، ژاندارمری، نیروهای ارتش ایران را کسه بالغ بر ۹۰ هزار نفر می‌شددند تشکیل می‌داد. بریگارد قزاق در زمان ناصرالدین شاه تشکیل شد. این نیرو در مدت کوتاهی به صورت یک لشکر درآمد که شامل ۷۸۸۶ سرباز و ۳۱۴۱ سواره روسی می‌شد. این لشکر را ۴۵افسر، ۶۶درجه‌دار روسی و ۲۰۲درجه‌دار ایرانی فرماندهی می‌کردند. مرکز فرماندهی لشکر قزاق در تهران بود و هشت یانه گروه جداگانه– که «آزپاد» نامیده می‌شدند– در تهران، اصفهان، مشهد، همدان، گیلان، مازندران، اردبیل و ارومیه فعالیت داشتند. هر آترپاد از واحدهای پیادهنظام، سوارنظام و توپخانه تشکیل شده بود و از نظر اسلحه و مهمات بر سربازخانه‌ها برتری داشت. دفتری مخصوص از وزارت خارجه مسئولیت استخدام اداره‌ها را برعهده داشت و وزارت جنگ کنترل اندک و محدودی بر قزاق‌ها داشت. فرمانده روس و افسرانش خود را نماینده منافع روسیه تزاری در ایران می‌دانستند. به قزاق‌ها و مخصوصاً به افسران ایرانی آنها این طور تلفیق می‌شد که بر دیگر نیروهای ارتشی ایران برتری دارند و از سال ۱۹۱۰طبق دستور فرمانده روسی قزاق‌ها موختن زبان روسی برای افسران و درجه‌داران ایرانی اجباری شد و کلاس‌های زبان روسی در پادگان قزاقخانه تشکیل شد. مدتی بعد خواندن روزنامه‌های فارسی در پادگان مطلقاً ممنوع شد و رضاخان احتمالاً در کلاس‌های زبان پادگان برای چند ماهی شرکت کرده بود.<sup>(۱)</sup>

رضاخان در ابتدای خدمتش به مقران با حکومت ناصرالدین ششاه قاجار بود با چند نفر قزاق دیگر حفاظت از راه فروروز کوه و ساری را برعهده داشت. حدود چهار سال بعد<sup>(۲)</sup> وقتی شاه قاجار در حرم حضرت عبدالعظیم الحسنی(ع) واقع در شهری مورد اصابت گلوله اسلحه میرزا ضارمانی قرار گرفت، علی اصغر خان امین‌السلطان، صدراعظم وقت شاه، فوج سوادکوه را که از معروف‌ترین فوج‌های سپاه ایران بود به تهران فراخواند تا برسرل آن از سفارتخانه‌های کشورهای خارجی و مراکز حساس تهران حفاظت کنند. رضاخان نیز عضو این فوج بود و به تهران آمد. او در مدت چند سال به عنوان یک نیروی قزاق، مراقبیت از سفارتخانه‌های کشورهای انگلستان، آلمان، روس، هلند و بلژیک را برعهده داشت. وی به مرور زمان در جرات مختلف نظامی را به دست آورد و سرانجام فرمانده قزاق‌ها شد.

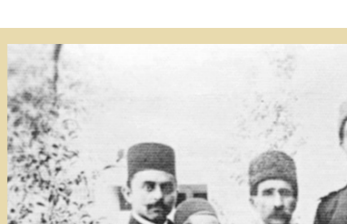
کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.



رضاخان وهمچنان در قست بحفاظت خانه عبدالعظیم میرزا افریخت می‌ماند

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.
نوش آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.

کرندند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، این قبز را ازمانگار رضاخان و مقبره‌های دیگر خراب شد و امروز آثاری از آنها برجای نمانده است.